

### جنگی خانه به خانه به وسعت جهان



محمد فتاحی  
m.fatahi@ukonline.co.uk

میداند. قبل از شروع جنگ، اگر دنیا به پا خواست و بیش از ششصد شهر جهان صحنه تظاهرات های ضد جنگ شد، نفس در سینه های اینها حبس

صفحه ۴

که بمباران شهر به شهر و خیابان به خیابان این جامعه با بمبهای ده هزار کیلویی برای آزاد کردن شان است.

صرفنظر از هر توجیه و توضیحی، هواداران این جنگ و کشتار در تمامی دنیای امروز، اقلیتی ناچیزاند. بوش و بلیر را به غیراز مدیای نوکرشان، همه رسماً به عنوان جنایتکاران جنگی به رسمیت می شناسند. به نظر نرسد کسی در عمرش به اندازه این موجودات دو پا، نزد بشریت امروز، تا این حد منفور، پست و جبون بوده باشد.

با همه اینها اما، ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران و عراق این جنگ را نعمتی برای خود

تلویزیون میدان نبرد را به درون خانه همه ساکنان کره خاکی برده است. صحنه های بمباران و کشتار مردم در شهرهای عراق، بشریت امروز را همگی به موضعگیری انداخته است. میلیاردها انسان این کره خاکی، صرفنظر از ملیت و مذهب و رنگ و جنسیت، همه در کنار جبهه های صفحات تلویزیونهایشان صف بسته اند. صحنه های کشتار و ویرانگری بر تلویزیون، به راستی که حتی یک وعده غذا خوردن راحت را نیز از میلیونها انسان سلب کرده است. کشتار مردمانی که ۱۲ سال محاصره اقتصادی و گرسنگی داده شده اند، وجدان هیچ انسان شریفی را قانع نمیکند

### جنایتکاران محلی نظم نوین

#### ناسیونالیسم کرد از منظر دانیل میتران

خصوصیت ناسیونالیسم کرد در دنیای پس از فروپاشی جهان دوقطبی و شیفت برق آسای احزاب سیاسی آن به پیچ و مهره های محلی سیاست نظم نوین از منظر یک سوسیال دمکرات نیز، انگشت میگذارد. جناب ملا بختیار و آقای مسعود بارزانی و "مام" جلال و کل طیف ناسیونالیستهای رنگارنگ هم دیگر نمیتوانند افشای خاستگاه خود را در رابطه با منافع توده های مردم کردستان،

صفحه ۳

دانیل میتران، که در میان زعمای ناسیونالیست کرد در کردستان عراق به "مادر کرد"ها مفتخر شده است، اخیراً نامه سرگشاده ای خطاب به "دوستان کرد" خود نوشته است و در مورد اعتماد به "ابرقدرت آمریکا" و افتادن در دام نقشه های آمریکا و انگلیس، به آنها هشدار داده است.

این نامه به نظر من بر چند



ایراج فرزاد

### جنگ و معضلات جدید جمهوری اسلامی

عبدالله شریفی

صفحه ۶

### تظاهرات ضد جنگ در سراسر

#### جهان بی وقفه ادامه دارد

صفحه ۸

### جنگ دولت آمریکا علیه عراق و ناسیونالیسم کرد



حسین مرادیگی

جنگ دولت آمریکا علیه عراق بشدت ادامه دارد، "نظم نوین" جهانی با ریختن هزاران تن بمب و موشک بر سر مردم عراق و از هم پاشاندن شیرازه مدنی این جامعه دارد بربریت خود را به نمایش میگذارد. مردمی بشدت سرکوب شده و تحقیر شده از دیکتاتوری ۳۵ ساله صدام و رژیم بعث، مردمی که هنوز زخم جنگ ارتجاعی و پرتلفات دولتهای ایران و عراق را بر خود دارند، مردمی که هنوز از کشتار دولت آمریکا و متحدینش در جنگ خلیج پشت راست نکرده اند، مردمی که بیش از ۱۲ سال است در محاصره اقتصادی دولت آمریکا و دول غرب با مرگ و بیماری و گرسنگی دست و پنجه نرم میکنند، قرار است در جنگی به مراتب وحشیانه تر از جنگ خلیج گامها به عقب رانده شوند. قرار است در پایان این جنگ بعنوان آواره، دست کمک بطرف دولت آمریکا و متحدینش دراز کنند، غذای

صفحه ۲



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت

## ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj\_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵

فاکس: ۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۷۵۷۴

### رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۳۰ دقیقه

بوقت تهران

۲۱ متر برابر با

۱۳۸۸۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴۷۷۱۴۶۱۱۰۶۹

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۶۸۶۵۹۰۷۵۵

روزهای پنجشنبه

نیم ساعت به

زبان کردی

## جنگ دولت آمریکا علیه عراق و ناسیونالیسم کرد

(از صفحه اول)

بخور و نمیر روزانه خود را از آنان دریافت کنند و شکرگذار موقعیت جدید خود در عراق "آزاد" توسط دولت آمریکا هم باشند! این جنگ قرار است از جامعه مدنی عراق افغانستان دیگری بسازد که در آن سرنوشت مردم عراق بدست ژنرالهای فاتح دولت آمریکا و بریتانیا و گانگسترها و روسانی مشابه صدام و سران رژیم بعث از میان آید. ناسیونالیسم عراق سپرده شود و قرار است اینها از آن به بعد در مورد سرنوشت و آینده سیاسی مردم عراق تصمیم بگیرند، عراقی که در آن مردم به موقعیتی بر مراتب بدتر و بر مراتب نا امن تر از قبل رانده خواهند شد.

در این جنگ ناسیونالیسم کرد برخلاف بشریت نوع دوست و انساندوست جهان بمشابه یک جنبش با احزاب و نیروها و ایدئولوژیها و سخنگویان خود در اشکال مختلف از این جنگ حمایت میکند و یکبار دیگر ضدید "جنبش ملی کرد" مشهور به "گردایتی" را با هرچه آنچه نشانی از آزادیخواهی و انساندوستی دارد ثابت میکند. احزاب ناسیونالیست کرد این جنبش در کردستان عراق، رسماً به جبهه جانیاتکاری و ضد بشری این جنگ پیوسته اند و دوش بدوش نیروهای مهاجم دولت آمریکا و بریتانیا علیه مردم عراق وارد جنگ شده اند. حزب دمکرات کردستان ایران مدتهاست تصمیم خودش را گرفته

است. این حزب با سیاست کنونی دولت آمریکا است، لیکن رابطه "دیپلماتیک" اش با دولت عراق مانع از آن است که حمایت خود را صراحتاً از این جنگ اعلام کند. به انتظار نشسته است که هر وقت مصلحت ایجاب کرد سیاست رسمی خود را اعلام کند. سازمان زحمتکشانش نیز از هم اکنون دنبال "عمو جلال" برای این جنگ کیسه دوخته است به این امید که توسط حامیان آن به بازی گرفته شود. در کنار اینها، ایدئولوژیها، سخنگویان و قلم بدستان ریز و درشت این جنبش بیگانه با آزادیخواهی و انساندوستی، هر یک به نوعی از این جنگ حمایت کرده اند. کسانی که تا دیروز از عدم خشونت دم میزدند، پروژه "آشتی از راه فرهنگی" را تبلیغ میکردند،

کسانی که حتی مبارزه مسلحانه جنبش خود را بعنوان شکلی از خشونت زیر سوال می بردند، اکنون از عریان ترین و وحشیانه ترین شکل خشونت علیه مردم عراق حمایت میکنند. طرفداران پر و پاقرص این جنبش نیز بر صفحه کانالهای تلویزیونی ظاهر میشوند و در حمایت از خشونت و وحشیگری صرف علیه مردم عراق میرقصند و پایکوبی میکنند. جلال طالبانی که دو ماه پیش به "احزاب برادر" در جنبش خود توصیه میکرد که از خشونت علیه جمهوری اسلامی بپرهیزند و داشت خشونت علیه جمهوری اسلامی را که مرکز ترور و خشونت در جهان است تکفیر" میکرد، اکنون خود آشکارا اعمال خشن ترین نوع خشونت در جهان بعد از جنگ دوم جهانی را علیه مردم عراق تجویز میکند و اعلام میکند که این تنها راه کسب "آزادی" بخوان بخون کشیدن مردم عراق است.

### توجهات و بهانه های ناسیونالیسم کرد

ناسیونالیسم کرد و احزاب و نیروها و سخنگویان آن در "توجیه" همدستی خود با دولت آمریکا و یا "توجیه" حمایت خود از این جنگ پایه استدلالشان عمدتاً بر دو چیز است، یکی اینکه مردمی که لت و پار میشوند "کرد" نیستند، این از نظر آنها کافی است برای اینکه هر بلایی سر مردم عرب زیان عراق بیاورند، دوم، بهانه حاکمیت صدام حسین.

استدلال اولی، فاشیسم است، فاشیسمی لخت و عریان. هیچ قرابتی با انسان دوستی و نوعدوستی ندارد، تنها پرده از کثافت ناسیونالیسم بر میدارد و ضدیت آن را با انساندوستی و نوعدوستی ای که در ذات بشر است نشان میدهد. نشان میدهد که ناسیونالیسم همیشه و همه جا با تحریک عرق قومی و سرمایه گذاری روی خون عده دیگری بقدرت رسیده است. مگر مردم عرب زیان، از عدم ستم ملی بر آنان که بگذریم، کمتر از مردم کردستان از دست دیکتاتوری صدام مورد ستم و سرکوب قرار گرفته اند، کمتر شکنجه شده و زندان رفته و اعدام شده اند، که اکنون باید ناسیونالیسم کرد از اینکه توسط بمب ها و موشکهای دولت آمریکا لت و پار شوند اظهار خوشحالی کند! بعلاوه این

موضوع علناً فاشیستی ناسیونالیسم کرد با همزیستی ای که ناسیونالیسم کرد و احزاب و رهبران و سخنگویان آن در یک کشور "فدرال و دمکراتیک" موعظه میکنند، کاملاً در تناقض است. کسی که از کشتار و آوارگی مردمی که گویا قرار است فردا با آنان در یک کشور "فدرال دمکراتیک" زندگی کند بصرغ غیر کرد بودن حمایت میکند و حتی نازل شدن خود فاجعه را بر آنان از قبل جشن میگردد، چطور و با چه روئی فردا میتواند ادعا کند که خواهان زندگی مشترک با این مردم بوده و یا خواهد بود؟ یقیناً در فردای این جنگ نیروها و مردم آزادیخواه و برابری طلب عراق احزاب و رهبران جنبش ملی کرد را بخاطر سیاست ضد بشری ای که اکنون در قبال سرنوشت مردم عراق در پیش گرفته اند، رسوا خواهند کرد. هدف ناسیونالیسم کرد از این سیاست آشکارا فاشیستی تنها باد زدن عرق قومی، ایجاد تفرقه و شکاف بیشتر در میان مردم کرد و عرب زیان عراق است که سالهاست در چنبره تقابل فاشیسم دولت بعث و ناسیونالیسم کرد قرار گرفته اند. سیاست ضد انسانی ای که ناسیونالیسم کرد در پیش گرفته و با آن دارد عرق قومی را باد میزند، جنگی وحشیانه که احتمالاً تقابل و درگیری قومی یکی از نتایج آن خواهد بود، سناریوی سیاهی را هم اکنون در مقابل این جامعه گرفته است و این احساس مسئولیت بسیار بیشتری را از کمونیسم کارگری و دیگر نیروهای آزادیخواه در جامعه عراق طلب میکند. از نقطه نظر ناسیونالیسم کرد و احزاب و سخنگویان مربوطه این البته فاجعه نیست عین "خیر و برکت" است تا آنها بتوانند با سوار شدن بر عرق قومی همچنان سرگردنه را گرفته و بزنگی انگلی خود بقیامت تحمیل مصائب بازهم بیشتر بر مردم کردستان ادامه دهند. این را اما مردم کردستان نباید اجازه دهند. این را جنبش کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری عراق نباید اجازه دهند.

دوم، بهانه صدام. نفس دیکتاتوری صدام هیچوقت مسأله ناسیونالیسم کرد و احزاب مربوطه در کردستان عراق نبوده است، همانطور که استبداد مذهبی

تنها آینده سیاسی اینها حتی آینده سیاسی دولت آمریکا نیز در صورت پیروزی این جنگ تعریف چندانی نخواهد داشت. هنوز ۱۰ روز از جنگ نگذشته است در میان سران جناح راست آمریکا که طراح این جنگ بوده اند بر سر درست یا غلط بودن این استراتژی، اختلاف بروز کرده است. کسانی از خود این جناح صراحتاً درستی تحلیل و ارزیابی از موقعیت نیروهای رژیم عراق و تاکتیک های نظامی این جنگ توسط وزیر دفاع و فرماندهی این جنگ را زیر سوال برده اند. احزاب ناسیونالیست کرد نیز با وجود اینهمه خوشخدمتی و خوشقصی و تبدیل شدن به ابزار پیشبرد سیاست آمریکا در منطقه، آینده ناروشنی حتی نسبت به پیش از شروع این جنگ دارند. ترس دخالت دولت ترکیه و سرازیر شدن نیروی نظامی این دولت به کردستان عراق بر بالای سر آنها می چرخد، از نزدیک شدن به کرکوک بخاطر همین حذر میکنند. میدانند دخالت نظامی ترکیه نه تنها امید بازگشت به دوره پارلمان و دولت کارتونی، بلکه امید وجود هر نوع حاکمیتی از احزاب کردی را بر باد میدهد. به انتظار "مرحمت" دولت آمریکا نشسته اند تا شاید در ازاء نوکری و دادن سرویس جنگی به نیروهای نظامی این دولت، سرگردنه کبری را مدتی دیگر ادامه دهند.

مشکل اینها همانطور که بارها گفته ایم سرنوشت و آینده مردم کردستان عراق نیست، مشکل اینها پرکردن کیسه های خود از پول مزدوی و ادامه زندگی انگلی در میان شکافهای دولتهای ارتجاعی منطقه و فعلاً عمدتاً دولت آمریکا است. در این دوره خیال میکنند از طریق نوکری برای آمریکا میتوانند آن را حفظ کنند. صحنه سیاست این دوره پیچیده اما تر از آن است که اینها تصور میکنند، شکست سیاست ضد مردمی اینها و خلاصی مردم آزادیخواه و برابری طلب کردستان عراق باید یکی از اهداف این دوره کمونیسم کارگری باشد. مردم آزادیخواه و برابری طلب کردستان باید حساب خود را از ناسیونالیسم کرد و احزاب مربوطه جدا کنند، این دوره از این لحاظ باید به نقطه عطف تاریخی ای برای این مردم تحت هدایت کمونیسم کارگری تبدیل شود.

۳۱ مارس ۲۰۰۳

\*\*\*

## جنایتکاران محلی نظم نوین

(از صفحه اول)

صرفاً به روحیه "ضد کردی" کمونیست" ها منتسب کنند و یا شکر بشکنند که جنبش ضد جنگ به کمپ صدام حسین خدمت میکند.

خانم دانیل میتران در جریان بازگشائی مجدد پارلمان کذائی پارتی دمکرات و اتحادیه میهنی شخصاً نیز حضور داشت. جالب این است که پارلمان اختصاصی دو حزب قبیله ای از آن پس در مورد هیچ مسأله ای و از جمله همین جنگ آمریکا علیه مردم عراق تصمیمی نگرفته است و کماکان کارتونی و نمایشی صرفاً برای ساکت کردن شیفتگان ناسیونالیسم کرد، پیچیده در رویوش مقدس به طاقچه سپرده شد.

اما نامه دانیل میتران حاوی چند فاکت است و چند هشدار، که مستقل از اینکه از زاویه سوسیال دمکراسی و بر بستر نگرانی و مقاومت فرانسه و اروپا در برابر دکترین "نظم نوین" ابرقدرت" آمریکا نوشته شده است، با اینحال گویای ماهیت توطئه گرانه احزاب ناسیونال عشیره ای کرد، و سرشار از سیاست آنها در بندوبست با قدرتهای بزرگ و کوچک بدور از چشم مردم و بدون اطلاع آنها است. در عین حال این نامه خاصیت نوکر منشی و تسلط روحیه فئودالی و ایلیاتی را بر سیاست و دیپلوماسی رهبری جریانات ناسیونالیست کرد به نحو روشنی نشان میدهد.

بازگردیم به نامه دانیل میتران: در نامه آمده است:

"دوستان من! آیا شما میتوانید معنائی را که ابرقدرت آمریکا به این همکاری می دهد برای ما توضیح دهید؟ آیا می توانید تنها یک سند رسمی را که یک مسئول دولت آمریکا در آن از خواست ها و مطالبات شما در یک عراق دمکراتیک فدرال کرده باشد، ارائه دهید؟"

دانیل میتران سپس یک مورد از کنترا بازیهای احزاب حاکم در مناطق اربیل و سلیمانیه را ذکر میکند و میپرسد:

"شما آموزش میلیشای کرد در پایگاههای نظامی آمریکا در مجارستان را چگونه توضیح میدهید؟"

در ادامه نامه، بی مسئولیتی کامل سران احزاب مذکور و بازی کردن با سرنوشت مردم و پنهان کردن حقایق مربوط به همکاری با نقشه های آمریکا از مردم بعنوان سوالاتی از "دوستان" مطرح میشود. از جمله:

"چه کسی میتواند به من بگوید که چرا مردم کردستان که بمباران شیمیائی در حلبچه را متحمل شده اند، امروز بوسیله "محافظین" انگلیسی و آمریکائی خود به ماسک ضد گاز برای مقابله با احتمال بکارگیری آن مجهز نگردیده اند."

اما حضرات سرگردنه بگیر دست گلهای بیشتری را آب داده اند: "در جریان مسافرتم به کردستان عراق در ماه اکتبر گذشته، مسئول برنامه ضد مین در منطقه روشن کرد که این کار تا چه اندازه دشوار و وسیع است. از یک سو بدلیل مخالفت بغداد در زمینه تحویل نقشه های لازم برای کشف مناطق مختلفی که تعداد بیشتری مین در آن بوسیله ارتش عراق کارگذاری شده است و از سوی دیگر به دلیل مشکلات موجود برای کسب موافقت مقامات عراقی جهت اعزام کارشناسان ضد مین در چهارچوب برنامه "نفت در مقابل خوراک". همانگونه که اذعان دارید

آمریکائی ها در صددند بازم کشور شما را مین گذاری کنند و در نظر دارند باز هم بمبهای با اورانیوم فقیر شده را بکار گیرند. لابد می گوئید نمی توانید با اراده ابرقدرت آمریکا در جنگی که بر علیه عراق بکار گرفته است، مخالفت کنید. بخصوص از این نظر که "محافظ" شما هستند. ولی آیا نمی توانید بگوئید که یک عراق مین گذاری شده و بمباران شده به همه شما و همه مردم

این کشور و شاید کل بشریت مربوط میگردد؟"

(از نامه سرگشاده دانیل میتران، خط تأکیدها همه جا از من است، گیومه ها از متن اصلی ترجمه نامه اند.)

ببینید حضرات پای کدام قراردادهای و توطئه ها را علیه مردم کردستان و عراق و "کل بشریت" امضا گذاشته اند؟ ببینید چگونه پنهانی و در خفا پای این بند و بستها و توطئه خونین و طرح مین گذاری و بمباران مناطق مسکونی و محل کار و زندگی مردم رفته اند و چگونه همچون اجیران مسلح در خون پاشیدن به جامعه عراق بر پای اربابان سازمان سیا و پنتاگون و ارتش آمریکا دم تکان میدهند. اینها دارند مشکلات مردم کردستان را پیچیده تر میکنند، دارند مثل همیشه زندگی مردم کردستان را به محل آزمایش زور آزمائی "ابرقدرتها" با نیمچه قدرتهای منطقه تبدیل میکنند، تا باز مثل همیشه بر پیکر خونین و چهره تکیده کودکان و مناظر آوارگی و دربدی و کشتار و انفال و سرگردانی و بمباران شیمیائی، بساط شام غریبان ناسیونالیستی را بر دیگر حلبچه های "شهید" پهن کنند و علیه کمونیسم هذیان بگویند و تا باز به سرگردنه گیری و تیولداری خود بر مردم کردستان مشروعیت بدهند.

اما حتی اگر فرض کنیم که فاشیستهای ترکیه نسبت به حاکمیت "کردها" در کردستان عراق "حساسیت" نشان ندهند و بخاطر حکومت سرگردنه حکام سلیمانیه و اربیل از منافع خود و "جبهه ترکمنی" در کرکوک و موصل چشم ببوشند و آمریکا و نظم نوین بوش هم با قتل عام و کشتار وحشیانه مردم عراق شیرازه مدنیت را با بمب و موشک و تانک درهم کوبید و کلید حکومت کردستان را بدست آقایان جلال طالبانی و مسعود بارزانی بسپارد. آنگاه در صورت تحقق چنین فرض محالی، ما در خاورمیانه ناظر حاکمیت فیلانژهای جامانده قورمز "قوم کرد" در "سرزمین موعود" هستیم، و یک حکومت برخاسته از خون و تنفر از مردم عرب و ترک و فارس زبان و غده چرکینی شبیه به حکومت "قوم یهود" و

نماینده اش شارون، منبع رواج نفرت قومی و دروازه نفرت و پاکسازی قومی دیگری بر پیکر جامعه عراق و در خاورمیانه خواهد روئید. مگر سازمان قلابی زحمتکشان، این حزب لیکود قوم پرستان کرد در همین دو سال که از اعلام موجودیتشان میگذرد برای چنین روزهای خون و جنایت که نفس را در سینه کل بشریت حبس کرده است، روزشماری نکرده اند؟

احزاب ناسیونالیست و قوم پرست کرد، با جنگ و تهاجم نظم نوینی بوش، بعنوان کشیفترین جنایتکاران جنگی خود را به ثبت رساندند.

اما آیا واقعا کافی نیست؟ آیا قرار گرفتن احزاب عشیره - ناسیونال کرد در موقعیت مباشر و جاده صاف کن نقشه ها و توطئه های آمریکا و دولتهای منطقه، خواب از چشم طلسم شدگان خرافه ناسیونالیسم کرد نمی پراند؟ آیا روشن نیست که سازمان زحمتکشان، این هواداران کنتراهای نظم نوین اتحادیه میهنی و این غده چرکینی که جلال طالبانی و صلاح مهدی بر بستر نفرت قومی و نژادی و فالانژیسم ضد کمونیستی بازسازی کردند، بر بستر کدامین سناریو سیاه شکل گرفته اند و خواب چه لجنزاری را برای مردم کردستان دیده اند؟ آیا این همه مصیبت و کارنامه پر از خیانتها و توطئه و بند و بستهای احزاب و جریانات ناسیونالیست سند کافی برای به انزوا کشاندن سران ایل و عشایر و کنتراهای ناسیونالیست کرد که به موقعیت پادوها و عمله و اگره اجرای توطئه های آمریکا و دولتهای منطقه تبدیل شده اند، نیستند؟

نامه سرگشاده دانیل میتران دارد از زبان "مادر کردها" و یکی از کسانی که با موضع سوسیال دمکراسی اروپا خواهان راه حلی برای مسأله کرد است، سترونی جریانات ناسیونالیست کرد را از هر نوع توان برای حل انسانی مسأله کرد نشان میدهد. این نامه از این نظر که دارد از زبان کسی مثل دانیل میتران نیز، خود این جریانات را بعنوان یک مانع مهم بر سر راه حل مسأله کرد دست نشان و افشا میکند، حائز اهمیت است. این نامه تأیید دیگری بر احکام

کمونیسم کارگری در باره ماهیت و جایگاه خرافه ها و توهمات ناسیونالیسم بطور کلی و ناسیونالیسم کرد بطور خاص است. این نامه نیز تأکید میکند که ناسیونالیسم کرد دارد با آویزان شدن به جنایتکاران جنگی و در فضای کشتار و قتل عام و زیر و رو کردن تمام شیرازه مدنی جامعه عراق نفس میکشد و ادامه حیات خود را اعلام میکند.

با وجود این هنوز این سوال مطرح است که آیا جریانات ناسیونالیستی کرد بعد از این همه افتضاحات در همراهی با سیاست بمب و مین ابرقدرت آمریکا، صندلی خود را نزد سوسیال دمکراسی اروپا کماکان خالی و رزرو شده می یابند؟ آیا شگفتیهای "مادر کردها" از حرکات احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق میتواند از یک سری هشدارهای عاطفی و اخلاقی و حداکثر بشردوستانه، به یک مرزبندی سیاسی، اجتماعی سوسیال دمکراسی در قبال شیفت احزاب ناسیونالیستی کرد به موقعیت کنتراهای نظم نوین و شرکای خط مقدم جنایتکارترین کشتار و بمباران مردم عراق هم بیانجامد؟ آیا این طعنه ها و سرزنشها میتواند به یک مرزبندی سیاسی با کشیفترین مزدوران و مباشرین مثله کردن حرمت انسانی در کمپ خونین نظم نوین بوش و بلر بیانجامد، بطوری که در یک مراسم تشریفاتی، سران پیشقراول کشتار انسانیت در عراق، نتوانند با کراوات و پایپون چهره خونین خود را بزک کنند و بر صندلی خود در سوسیال دمکراسی لم دهند؟ باید دید. جنگ جنایتکارانه آمریکا و عوامل ناسیونالیست کرد آن علیه مردم عراق، سوسیال دمکراسی را هم به بوته آزمایش گذاشته است. □

۳۱ مارس ۲۰۰۳

از سایت  
روزنه  
دیدن  
کنید!

www.rowzane.com

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## جنگی خانه به خانه به وسعت جهان (از صفحه اول)

شد که نکند جنگی نباشد. با اولین بمبارانهای شهرهای عراق، اگر قلب میلیونها انسان به درد افتاد، اینها جشن گرفتند و برای کشتار کودک و پیر و جوان عراقی هورا کشیدند. با شلیک اولین بمبها به شهرهای عراق، کانال تلویزیونی خاک، تلویزیون جلال طالبانی، رسماً به این مناسبت رقص کردی (هلهله‌پیرکی) پخش کرد. هر روز که از جنگ میگردد، یک روز به لذت اینها از زندگی‌شان افزوده میشود. به تعدادی که بمب و آتش بر شهرهای عراق میبارد، به لحظات شادی اینها میافزاید. به تعداد کشته و زخمی زن و مرد و کودک عراقی، اینها قهقهه سر میدهند، در دل خود میرقصند، شادی میکنند، و از خوشی در پوست نمی گنجند. مقررات شان، جمع تفنگچی‌هایشان، محافل سیاسی و خانوادگی شان، همه جا محل ابراز شادی و خوشی و سرور است. از نظر اینها هر اندازه کشته شوند، از دشمنان «کرد» بیشتر میکاهد! بوش را اگر تمام دنیا یک جنایتکار جنگی بدانند، برای اینها عمو بوش است، سردار آزادی است، و قهرمان نجات! حماقت شان نمی بیند که سرکوبگرترین حکومت‌های منطقه، آمریکایی ترین‌شان‌اند.

مردم کردستان ایران که اکثریت بسیار بالایش مخالف این جنگ و وحشیگری است، به عینه می بینند که چگونه وحشیگری در حق مردمان بی دفاع و گرسنه از ملیتی دیگر، برای ناسیونالیسم کرد بالاترین لذت است. شاهدند که چگونه کشتار مردمان چند کیلومتر آن طرف تر، برای عده‌ای قوم پرست، مایه لذت و خوشی است. به همین دلیل است که در کنار طیف لمپن و گله های کله پوک ناسیونالیست، عقب افتاده ترین های جامعه به دنبال تبلیغات اینهاست. این بخش جامعه، دقیقاً همان بخشی است که حل انسانی هیچ معضلی مسئله‌اش نیست. زن برایش انسان به حساب نیاید، کودک در میان‌شان بی ارزش و بی حق و حقوق است، در هیچ تقلائی مردم برای بهبود و برای پیشبرد مبارزه اجتماعی نیز شرکت

نمیکند. این بخش جامعه، همانهایی اند که همراه احزاب مطبوع شان، نوکری هر دولت و قدرت محلی و غیر محلی را افتخار میدانند. همراه شان به روبروسی صدام و خمینی و ژنرالهای ترک و بوش و هر جنایتکار دیگری میروند، و از ابتکارات رهبران شان میدانند!

### دلیل چیست؟

ناسیونالیسم جنبشی برای حل مسائل و مشکلات مردم نیست. کارت های خودمختاری، فدرالیسم، خودگردانی، حکم ذاتی و اشکال مختلفی که به اقتضای زمانه، در بازی معاملات سیاسی شان برای شرکت داده شدن در قدرت سیاسی رو میکنند، هیچ ربطی به دخالت مردم در تعیین سرنوشت شان ندارد. ربطی به خواستهای جوانان امروز ندارد، ربطی به برابری طلبی زنان ندارد، ربطی به رفاه و نان و آب کسی ندارد. ربطی به داشتن و نداشتن مسکن و کار و طب و درمان رایگان و آموزش و پرورش مدرن ندارد. حتی ربطی به رفع ستم ملی هم ندارد. هیچ امر عادلانه و انسانی مسئله اینها و مضمون اهداف شان نیست. اینها میخواهند از وجود ستم ملی در کردستان استفاده کنند تا در قدرت محلی شرکت داده شوند. شیوه مبارزه شان، سیاستهای اتخاذ شده شان، و کل سنن اعتراضی شان در خدمت این هدف است. شرکت داده شدن در قدرت به هر قیمت و به هر وسیله‌ای و به هر شیوه‌ای. این شیوه از مبارزه است که برای اینها هیچ پرنسیب سیاسی، و حتی اخلاقی به همراه است که هر روز میتوانند بارکشان جیهه جدیدی برای سرکوبگران باشند. روزی جلودار سربازان ترکیه‌اند، روز دیگر گروه ضربت حکومت اسلامی‌اند. یکی شان توسط سرباز بعثی، «پایتخت» کردستان (اربیل) را «آزاد» میکند، دیگری به کمک جمهوری اسلامی به سلیمانیه پایتختش برمیگردد. روبروسی صدام، زیارت خمینی، پابوسی نظامیان ترکیه، همگی از ابتکارات سیاستمداران رهبران اینها محسوب میشود! روزی نوکری استبداد شاهی در دستور است، روز بعد کشتار مردم در خیابانهای اشونیه در دفاع از «انقلاب» اسلامی و محاصره

شهر مریوان عین کردایتی است. رژیمهای ایران و عراق و ترکیه و سوریه و اسرائیل و آمریکا و سازمانهای جاسوسی شان، همگی در دوره های متعدد اینها را به بازی گرفته‌اند. وسیله دست هر جنایتکار و خونخوار و مستبدی در این منطقه شده‌اند. اندازه هواداری شان از هر کدام از این قدرتها، به توان نظامی سرکوبگران بستگی دارد. امروز نویت نوکری و مزدوری برای سربازان نیروی قدرتمندتر یعنی آمریکاست. روز دعا خوانی برای بمبارانها و کشتار در شهرهای عراق است. روز اظهار شادی و شغف برای قبله عالم امروزشان است. تنبیه هم نمیشوند. هر دوره نوکر و مزدور نیروی نظامی طرفی‌اند و روز بعد متوجه شده‌اند که کلاه سرشان رفته و به قوادی گرفته شده بوده‌اند. تاریخ اینها، تاریخ ابزار این و آن بودن و «فریب خوردن» است. عمر مفید اینها صرف پیشرفت سیاست حکومتها در منطقه شده است.

### اینهمه نوکری چرا؟

دلیل اصلی اینهمه نوکری در تاریخ‌شان، خالی بودن اهداف شان از ذره‌ای اهداف عادلانه و انسانی است. اما دلیل دیگر و شاید اصل‌تری هست؛ میدان زندگی اینها شکافهای سیاسی دولتها و رژیمهای منطقه و اختلافات مرزی ایران و عراق و ترکیه و سوریه اند. کافی است روزی اختلافی بین این رژیمها نباشد، تا جایی هم برای به بازی گرفتن اینها باقی نماند. وجود اختلافات ملی و قومی و مرزی و مذهبی در منطقه بهترین فضا برای نفس کشیدن اینهاست. همین وابستگی به دعوای قدرتهای محلی، موجب شده که نوکری برای این و آن، به عادت و نرم زندگی سیاسی‌شان تبدیل شود. جناحهایی از اینها، در هر مقطعی دیگری را به خیانت و «جاشی» گری متهم میکنند، در حالیکه بودن با رژیمها و زندگی در زخم اختلافات ملی دول ناسیونالیست منطقه، از فرضیات ادامه حیاتشان است. همان اندازه که زخم و عفوئتش جای مناسبی برای رشد میکروب است، زخم ملی و قومی و مذهبی منطقه نیز محیط مساعدی برای حیات اینهاست. فضای پاک سیاسی برای اینها حکم زهر دارد. آنجا که جنبش کارگری، برابری طلبی زنان و

آزادیخواهی جامعه، مدرنیسم و عدالتخواهی جوانان و سوسیالیسم و کمونیسم قوی است، اینها ضعیف و زبون و بی مشتری‌اند. آنجا که دین و ناموس پرستی و خرافه و تعصب و عقب افتادگی هست، اینها هم هستند. عین مسجد، دور و بر اینها آنجا شلوغ است که فقر سیاسی و فرهنگی قویست. کسی ندیده و نشنیده است که مردمان آزاده، با فرهنگ، متوقع، با اراده و انساندوست تن شان به تن اینها خنده باشد. نیروی پیشمرگ اینها سنبل فرهنگ و سیاست و سنت و تعصب و غیرت و اخلاقیات عقب افتاده است.

به اصل بحث برگردیم؛

دو جنبش متفاوت در مقابل هم بحثهای پر حرارت امروز در میان مردم، بحثهای دو جنبش متفاوت است. یکی در کنار بمباران ایستاده و از کشتار و ویرانگری توسط نیروهای نظامی آمریکا و انگلیس لذت میبرد، برایشان دست میزند و در شور و شوق جنایتشان مست است. دیگری ناراحت است، در صف میلیونها انسان سراسر جهان ایستاده و خواهان پایان این بزرگترین جنایت آغاز قرن است. یکی دلش برای انسان میسوزد و دیدن خون حتی بر رخسار دشمنانش را نمیخواهد. دیگری قوم پرستی چشمان انسانی اش را کور کرده و در صف جانانش قرار داده و پیشروی سیاسی بدون لت و پار کردن مردمان بیدفاع برایش غیر قابل تصور است. برای یکی انسان و حیات و ممات انسان، و فقط انسان، صرفنظر از ملیت و مذهب و رنگش اصل و مقدس است. برای دیگری، نه انسان، که قومیت و ملیت و خاک و پرچم و مرز مقدس است. برای یکی رسیدن به اهدافش در گرو خیر و خوشی نوع انسان بطور کلی است. برای دیگری، مسیر رسیدن به اهدافش از جنازه مردان و زنان و کودکان و ویرانی زندگی شان میگردد. یکی میتواند هر دوره ای پرچم آرزوهایش را به تانک و توپ دولت و حکومتی آویزان کند، دیگری آرزوهایش در کوتاه کردن دست همه حاکمان تانک و توپ دار از سر انسان است. برای یکی کرد و فارس و ترک و عرب زبان بودن دشمنی بین کسی را توجیه نمیکند، همه انسان‌اند. برای دیگری پیشرفت در گرو خصومت با عرب و عجم است.

این دو طرف به دو جبهه متفاوت، به جبهه‌های انسانیت از یکطرف، و قوم پرستی و ارتجاع از طرف دیگر تعلق دارند. سیاستهای این دو جبهه در هیچ عرصه‌ای از زندگی سیاسی و اجتماعی به هم نزدیک نیست. نگاهشان به انسان، به کارگر، به زن، به کودک، به جوان، به خوشبختی و شادی و زندگی، به فرهنگ و هنر، به اخلاقیات و سنن و عادات و تعصب و... متفاوت است. نماینده یکی از این جبهه ها در کردستان ناسیونالیسم کرد و خودمختاری و فدرالیسم شان است. نماینده جبهه دیگر انسان گرایی، برابری طلبی، سوسیالیسم و کمونیسم کارگریست.

جنگ و کشتارهای این روزها در عراق، دریچه ای شده است که از آن طریق میشود احزاب سیاسی و جنبشها و اهداف شان، رابطه شان با منافع مردم، با آزادی و رفاه و برابری انسانها را به عینه دید. در طول دو دهه گذشته هیچ موضوع سیاسی نه فقط در کردستان، که در سراسر جهان، مردم را اینچنین به موضعگیری سیاسی در مورد سرنوشت مردمان کشور دیگری نکشیده است. در هیچ دوره ای از تاریخ بشر نیز، صوف میلیونها جهانیان در پنج قاره جهان این چنین متحد و فشرده برای یک امر مشترک و انسانی به میدان نیامده است. لذا فرصت بسیار مهمی برای دخالت آگاهانه کمونیسم کارگری فراهم شده است. در این فضای سیاسی، تبلیغ و جا انداختن ارزشهای انسانی، تبلیغ برابری انسانها صرفنظر از هر مرز ساخته شده خاکی و ملی و مذهبی، مستقیماً جنبش کمونیسم کارگری را تقویت میکند. جنبش ما جنبش خوشبختی انسان است، و انساندوستی‌اش مرز نمی شناسد. همان اندازه که مخالف بمباران محل زندگی خود هستیم، مخالف به خاک و خون کشیده شدن محل زندگی دیگران نیز هستیم. همان اندازه که لت و پار کردن کودکان مان را نمی پذیریم، با کشتن و نابود کردن کودکان دیگران نیز مخالفیم. همان اندازه که مرگ و آوارگی و ویرانی را برای خود



## علیه دستگیرهای اخیر در شهر سقز

مرکز اطلاعات رژیم در شهر سقز با همکاری اداره کار و خانه کارگر در یکسال اخیر علیه کارگران مبارز به اقداماتی جهت ایجاد رعب و وحشت دست زده‌اند. مدتی قبل خبر دستگیری دو نفر از اعضا سندیکای کارگران خباز و شرکت تعاونی کارگران را به اسامی خالدرحمانی و بختیارمعروفی به اطلاع رساندیم، که از ۲۰ مارس دستگیر و تا کنون بدون ملاقات در زندان سقز به سر می‌برند. اکنون و در یک هفته گذشته مرکز اطلاعات رژیم در شهر سقز تعدادی دیگر را دستگیر کرده، که اسامی ۳ نفر از آنها آزاد مرتضایی، هیواسهامی و عمر خرده لوکی است. ۳ روز قبل آزاد مرتضایی را آزاد کرده‌اند و بقیه دستگیرشدگان تا کنون بدون ملاقات در بازداشت اطلاعات رژیم بسر می‌برند.

لازم به توضیح است که در دو هفته گذشته مزدوران اطلاعات به منازل و محل کار تعدادی از فعالین کارگری در سقز مراجعه کرده و آنان را به مرکز اطلاعات فرا خوانده که اغلب مراجعه شوندهگان به احضارشان اعتنایی نکرده‌اند.

### مردم مبارز شهر سقز!

مرکز اطلاعات، و دیگر دم و دستگاه رژیم می‌خواهند با این اقدامات فضای رعب و وحشت ایجاد کرده و به خیال واهی خود، شما مردم مبارز را از اعتراض برای حقوق حقه خود باز دارند. باید این اقدامات جواب شایسته‌ای را از جانب شما بگیرد. هر نوع دستگیری و اذیت و آزار مردم می‌تواند با اعتراض یکپارچه ما جواب بگیرد. برای آزادی دستگیر شدگان اخیر و کلیه زندانیان سیاسی لازمست یکپارچه دست به اعتراض زد. جا دارد با هر دستگیری، جلو زندانها و دیگر مراجع دولتی مربوطه، به میدان اعتراض یکپارچه ما مردم تبدیل شود. همراه خانواده دستگیر شدگان، همراه کارگران و همراه توده مردم معترض به دستگیری و تهدید و ارباب مرکز اطلاعات رژیم و سایر همدستانشان اعتراض کنید. جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوبگرش در مقابل اعتراض قدرتمند مردم تاب مقاومت را ندارند و نباید گذاشت عزیزان ما را به بهانه‌های واهی و برای زهرچشم گرفتن روانه شکنجه‌گاههای خود کنند. جمهوری اسلامی رفتنی است و این اقدامات مذبحانماش، تقلائی بیهوده دوران پایانی عمرش است.

### کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ فروردین ۱۳۸۲ - اول آوریل ۲۰۰۳

## در جنگ جنایتکاران، بیان حقیقت جرم است!

### ایرج فرزاد

NBC اعلام کرد که پیتر آرتن را اخراج کرده است! چرا؟ چون قهرمان میدیای حاکم در آمریکا در مصاحبه با تلویزیون عراق بخشی و آنهم بخش بسیار کمی از حقیقت را در باره جنگی که بوش و بلر دارند پیش می‌برند گفته بود. گفته بود این جنگ علیه مردم غیرنظامی است، گفته بود مردم آمریکا موافق با این کشتار و بمبارانهای وحشیانه نیستند و گفته بود مردم عراق حق دارند مقاومت کنند و گفته بود توجیهات بوش و دوائر پنتاگون و سیا و ارتش آمریکا برای دست زدن به این کشتار بیرحمانه، پوچ، تبلیغات جنگی و مبتنی بر دروغ است. قهرمان صاحب مدال "ارزشهای آمریکائی" در یک چرخش قلم بزیر کشیده شد و علیرغم عذرخواهی او که نمی‌بایست در "شرایط جنگی"، از تلویزیون کشور خصم به نقشه‌های دولت

peter Arnett خبرنگار جنگی با سابقه‌ای است، از دوران جنگ در ویتنام تا جنگ خلیج در سال ۹۱ و تا جنگ جاری آمریکا و انگلیس علیه مردم عراق او بعنوان یک خبرنگار در صحنه‌های خطرناک جنگ ظاهر شده است و گزارش و رپرتاژ تهیه کرده است. یک خبرنگار شبکه بزرگ خبرگزاری NBC بوده است و برای این کارهایش جایزه گرفته است. تا روز دوشنبه ۳۱ مارس سال ۲۰۰۳ پیتر آرتن، خبرنگار حافظ "ارزشهای آمریکائی" و رپورتری است که همواره به پرچم آمریکا و مواضع پنتاگون و سیا وفادار بوده است، او را حلاً حلاً کرده‌اند و حتی شایعه تشویق او برای کاندید شدن ریاست جمهوری را هم برایش پخش کردند. روز دوشنبه ۳۱ مارس خبرگزاری محترم

به آزادی ندارد.

برادران بزرگتر این جریانات در کردستان عراق، امروز رسماً به جبهه آمریکا پیوسته‌اند. بازانی و طالبانی امروز در کنار جنایتکارترین فرد دنیا ایستاده‌اند، در جنایتاش شریک شده‌اند، و پیشمرگان شان را به نوکری سربازان آمریکا تبدیل کرده‌اند، و موقعیتی را برای خود کسب کرده‌اند که جاش بودن شان در سالهای گذشته صدها بار «محترمانه» تر بوده است. حالا معلوم میشود که برای رسیدن به فدرالیسم و خودمختاری و حکم ذاتی اینها، میتوان در جنایات و کشتار مردمان بیدفاع هم شریک شد، در گرو گرفتن غذا و درمان کودکان هم میشود شریک شد، در ویرانگری و به خون کشیدن هم میشود شریک شد، در هرگونه جنایتی میشود شریک شد! آیا کسی هست از این چنین خودمختاری و فدرالیسمی به قیمت به خون کشیدن زندگی میلیونها بیچاره بی نان و آب دفاع کند؟ آیا میشود در مورد ماهیت کثیف، جنایتکارانه و ضد بشری این اهداف سیاسی شک کرد؟ آیا میشود در صورت مدافعتش تف نکرد و آرام گرفت؟ لقب جاش برای اینها

## جنگی خانه به خانه

ما، شیوه برخورد و سیاستهایمان در مقالات منصور حکمت: "طلوع خونین نظم نوین جهانی" و "درباره بحران خاورمیانه" نیز در انترناسیونال هفتگی شماره ۱۵۲ آمده است. این مقالات و این شماره نشریه میتوانند جهت روشنی به بحث همه مردمان مخالف جنگ بدهد، و نظریاتشان را در مسیر سیاستهای حزب هدایت کند. به همین دلیل، تکثیر و پخش آنها، و رساندنش بدست هر چه بیشتر دیگران، در زمانی که نیاز مردم به بحثهایش با گوشت و پوست لمس میشود، از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. فرصتی پیش آمده تا در آن، ماهیت غیر انسانی ناسیونالیسم، سیاستهایشان، برنامه هایشان، اهداف شان، بی‌پرنسیبی‌های سیاسی شان، اخلاقیات ضد انسانی شان، قوم پرستی شان و تعصبات جاهلانه ملی شان را افشا کرد. ناسیونالیسم حزب دمکراتیها و قوم پرستی دارو دسته عبدالله مهتدی را باید رسوا کرد. باید به همه نشان داد که خودمختاری و فدرالیسم اینها ربطی به انسان، به رهایی، به برابری و

رو به قبله بوش سجده برند. بگذار در کنار لذت بردن از به خاک و خون کشیده شدن مردم عراقی، برای بمباران تهران و تبریز و مشهد توسط بوش خواب ببینند و در ذهن خود نقشه بزنند. ولی مثل همیشه سخت اشتباه میکنند. با وجود یک جنبش قدرتمند سرنگونی طلب ما حزب نیرومند کمونیست کارگری، جای واقعی این نقشه ها، فقط خواب شان است. افشای ماهیت ضد انسانی اهداف این موجودات زشت سیاسی از مهمترین کارهای هر انسان شرافتمند است. آرمانهای پست اینها را امروز باید بی امان افشا کرد. پروسه افشاکاری از اینها و سیاستهای شان، پروسه جا انداختن آرمان ها، اهداف، سیاستها، ارزش ها، اخلاقیات و فرهنگ بشدت انسانی حزب کمونیست کارگری در ایران است. حزب ما در دل اعتراضات انسانی ضد جنگ در ایران، میتواند به عنوان پرچمدار یک بدیل بشدت انساننگرا و آلترناتیوی سوسیالیست در برابر حکومت اسلامی و اپوزیسیون ناسیونالیستی قد علم کند!

فروردین ۸۲

## جنگ و معضلات جدید جمهوری اسلامی



عبدالله شریفی

abe\_sharifi@yahoo.com

جنگ ویرانگر آمریکا و متحدینش با سبعیت تمام ادامه دارد. کشتار و موشک باران مردم گرسنه و بی‌دفاع عراق منتها درجه این توحش را نشان میدهد. هنوز تا "نتیجه" جنگ باید دهها هزار کودک و زن و مرد قربانی شوند. اگر چه هنوز "نتیجه" نظامی این بربریت مدالی را به گردن هیچ چکمه پوشی آویزان نکرده است، اما قطعا با حضور میلیونها انسان متمدن جهان، علیه این توحش، مهر شکست سیاسی را بر پیشانی گردانندگان این جنگ زده است.

با این جنگ، همه به جنب و جوش افتاده اند. این فاجعه فرا مرزی و فرا منطقه ای همه را به تکاپو انداخته است. همه به آینده خود بعد از این جنگ می اندیشند. این اوضاع بر سیاست، بر جدالها، بر امیدها و باورها سایه افکنده است. نتیجتاً رنگ و بوی این وضعیت در ایران در کنار این جغرافیای "نفرین" شده بر دو سوی جبهه متخاصم یعنی مردم از یکسو و نظام اسلامی از سوی دیگر از هم اکنون پیدا است. جمهوری اسلامی زیر ضرب مبارزات جاری مردم ایران سعی میکند از این فضای مسموم دریچه امیدی بیابد. هنوز از شکست مفتضح نمایش "انتخاب شوراها" کمر راست نکرده است که با موج جدیدی از خشم روبرو است. منتظر بودند که با این فاجعه مشکلاتشان کم شود. امیدوار بودند که از یک طرف نفرت از جنگ مردم را "آرام" کند و از طرف دیگر جنبش عظیم ضد جنگ که بی تردید پایه قوی در میان مردم آزادیخواه ایران دارد را به نام خود بنویسند و آن را

چنان از چشم مردم بیندازد که از سر تنفر از رژیم اسلامی موج این جنبش بحرکت در نیاید. امیدوار بودند مردم متوهم شوند، منتظر شوند. به هر خاشاکی چنگ زدند تا حتی برای چند صباحی که شده نفسی تازه کنند. مردان "جنگی" و چهره های مصرف شده چون رفسنجانی و رضایی را به جلو صحنه فرستادند. باز مانده گان دوم خرداد "فقید" را به یاد روزهای "پرشکوه" اسلام به بازی راه دادند، تا بلکه چاره ای دست و پا کنند، تا بلکه خاکی به سرشان بریزند. اما بسرعت و با شتاب با معضلات جدید اما در موقعیت ضعیفتر به سر جایشان برگشتند. اعتراضات مردم موشک خورده آبادان و خرمشهر، بالا گرفتن فضای اعتراضی وسیع در سراسر ایران گواه دور جدیدی از به میدان آمدن مردم سرنگونی طلب را نوید میدهد. باز هم جمهوری اسلامی بحران زده با یک عالم مشکلات جدید با مردم منزجرتر و مصمم تر روبرو میشود. بازم شکافها دهان باز کردند. شکافهای کهنه و نو در قالب مسائل جدید نمایان شدند. "رهبر" و جناحش با بساط نماز جمعه و گله حزب الله، با فرستادن آدمکشان و الله کرمها به خیابان میخواد خود را به اعتراضات جهانی علیه جنگ آویزان کند. خیل شکست خورده دوم خرداد هم با طرح سیاست "بی طرفی فعال" در قبال جنگ، ناباورانه هنوز نغمه دیپلوماسی "عاقلانه" برای "اصلاحات" را زمزمه میکنند. شاخه های کمتر اسلامی‌شان مانند نهضت آزادی و جبهه ملی با باد زدن عرق ضد عربی و ابراز شادمانانه کشتار مردم عراق با توجیه ارتجاعی انتقام جنگ با ایران را باید از صدام گرفت، دارند زیر سایه ناسیونالیستهای پروآمریکایی میخیزند. تا همین حالا معلوم است که مرحله دیگری از جنگ درون حاکمیت اسلامی با این مسائل جدید شعله ورتتر میشود.

چنان از چشم مردم بیندازد که از سر تنفر از رژیم اسلامی موج این جنبش بحرکت در نیاید. امیدوار بودند مردم متوهم شوند، منتظر شوند. به هر خاشاکی چنگ زدند تا حتی برای چند صباحی که شده نفسی تازه کنند. مردان "جنگی" و چهره های مصرف شده چون رفسنجانی و رضایی را به جلو صحنه فرستادند. باز مانده گان دوم خرداد "فقید" را به یاد روزهای "پرشکوه" اسلام به بازی راه دادند، تا بلکه چاره ای دست و پا کنند، تا بلکه خاکی به سرشان بریزند. اما بسرعت و با شتاب با معضلات جدید اما در موقعیت ضعیفتر به سر جایشان برگشتند. اعتراضات مردم موشک خورده آبادان و خرمشهر، بالا گرفتن فضای اعتراضی وسیع در سراسر ایران گواه دور جدیدی از به میدان آمدن مردم سرنگونی طلب را نوید میدهد. باز هم جمهوری اسلامی بحران زده با یک عالم مشکلات جدید با مردم منزجرتر و مصمم تر روبرو میشود. بازم شکافها دهان باز کردند. شکافهای کهنه و نو در قالب مسائل جدید نمایان شدند. "رهبر" و جناحش با بساط نماز جمعه و گله حزب الله، با فرستادن آدمکشان و الله کرمها به خیابان میخواد خود را به اعتراضات جهانی علیه جنگ آویزان کند. خیل شکست خورده دوم خرداد هم با طرح سیاست "بی طرفی فعال" در قبال جنگ، ناباورانه هنوز نغمه دیپلوماسی "عاقلانه" برای "اصلاحات" را زمزمه میکنند. شاخه های کمتر اسلامی‌شان مانند نهضت آزادی و جبهه ملی با باد زدن عرق ضد عربی و ابراز شادمانانه کشتار مردم عراق با توجیه ارتجاعی انتقام جنگ با ایران را باید از صدام گرفت، دارند زیر سایه ناسیونالیستهای پروآمریکایی میخیزند. تا همین حالا معلوم است که مرحله دیگری از جنگ درون حاکمیت اسلامی با این مسائل جدید شعله ورتتر میشود.

منافع مردم ایران درکنارمبارزه مردم جهان علیه بربریت سرمایه داری قرار دارد. صف ضد جنگ و قلدری نظامی آمریکا در میان مردم ایران، مردمی که خود یک دوره جنگ لعنتی را تجربه کرده اند و مصائب آنرا لمس کرده اند، قوی است. مردم آزادیخواه ایران باید مانند مردم متمدن جهان مستقلا به میدان بیایند. با حضور مستقل و قدرتمند بایست مشتکی آدمکش اسلامی و رهبرشان را از خیابان پاک کرد و صدای اعتراض مردم متمدن ایران را با صدای میلیونی مردم جهان همراه کرد.

قطعا مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، بخشی از مبارزه برای صلح و امنیت و آسایش در منطقه و در جهان است، خود بخش تفکیک ناپذیر مبارزه علیه جنگ و کشتار است، به این دلیل ساده که اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی ایران خود یکی از پایه های اصلی ترور و کشتار و تباهی زندگی مردم منطقه است، خود یکی از محورهای اساسی بی ثباتی و بحران در منطقه است. اتفاقا امروز جنبش برای سرنگونی جمهوری اسلامی با بیداری سیاسی وسیع جهان علیه جنگ و مصائب نظام سرمایه داری معاصر، در کنار اعتصاب کارگر برزیلی و در کنار جوان به میدان آمده واشنگتنی و در یک کلام در شانه به شانه صف میلیونی و قدرتمند ضد میلناریسم و جنگ ارتجاعی در جهان، مقدر تر و ممکن تر شده است. درک این موضوع ساده است. انداختن جمهوری اسلامی توسط انقلاب مردم، میدان را برای گسترش رادیکالیسم در سطح جهان باز میکند. و از طرف دیگر فضای سیاسی ایران بعد از جمهوری اسلامی با حضور مردم و دخالیشان در سرنوشت خود، فضای سیاسی کل منطقه را به چپ می چرخاند، در چنین اوضاع سیاسی، کوتاه کردن دست میلیتاریزم دولت آمریکا بر زندگی مردم، به شکست کشاندن سیاست بعد از جنگ سردی و نظم خونینی و آقایی "آمریکا بر جهان را با قطعیت بیشتر سرانجام میدهد.

۲۶ مارس ۲۰۰۳

\*\*\*

### در جنگ جنایتکاران ... (از صفحه ۵)

متبوع خود انتقاد کند، فایده ای نداشت. بیان حقیقت، حتی یک ذره آن، در مورد این جنگ جنایتکارانه برای ارباب بشریت و برای وادار کردن جامعه انسانی به تعظیم در برابر دکترین نظم نوین، از طرف مهندسان دولتمردی چون بوش و بلر ممنوع است، و سزاوار تنبیه. رابرت کوک از وزرای بلر همین روز گذشته اعلام کرد که پنتاگون و ارتش آمریکا استراتژی جنگ را بر بمباران بی وقفه شهرهای عراق و اعلام "پیروزی" بر مردمی لت و پار شده و غرق در خون و گرسنه و اسیر در حلقه محاصره دود و آتش و انفجار باران بی وقفه موشک و بمب و راکت های مدرن قرار داده است. رابرت کوک گفته است این یک جنوسایت کامل و جنایت جنگی است که سربازان انگلیسی نباید در آن شریک باشند. بلر همدست جنایات بوش، وزیر مستعفی خود را نامسئول در قبال "منافع ملی" رژیم سلطنتی ملکه الیزابت و بریتانیای "کبیر" خوانده است. اقلیتی طفیلی که حتی در انتخابات دمکراتیک خود مشروعیتی در میان بخش بسیار ناچیزی از شهروندان جامعه را پشت سر خود ندارند، دارند نظم جهان را و نحوه بیان ما را و زندگی ما را و خود حقیقت را برایمان تعیین میکنند. نهاد تسلیم این شانناژ مسلحانه ژاندارمهای جهان شد، نباید اجازه بدیم که حقیقت وجودی انسانیت و صدای بشریت متمدن را در میان صداهای مهیب بمبها و کشتار بیرجمانه قدره بندان نظم نوین سانسور کنند و خفه کنند. اعتراض و مبارزه علیه جنایتکاران جنگی نظم نوین باید ادامه یابد. باید به آنها فهماند که نمیتوانند ما را مرعوب کنند، باید به آنها فهماند که جنایتکاران جنگی و مرعوب کنندگان بشریت و بانداهای مزدور و فاشیست محلی آنان از کیفر مجازات نخواهند رست. جای آنان پشت میزحاکمه بعنوان کثیفترین مجرمین جنگی علیه مردم عراق و جهان متمدن است. □

## صحنه‌ای از تظاهرات عظیم علیه جنگ ورزش علیه جنگ، رم - ایتالیا



تظاهرات ضد جنگ در سراسر جهان بی وقفه ادامه دارد!

### اندونزی

در جاکارتا ۲۰۰ هزار نفر شعار "آمریکای امپریالیست تروریست شماره یک" سر دادند و از سفارت بریتانیا به طرف سفارت آمریکا راهپیمایی کردند.

در **کره جنوبی** ۵۰ هزار تن از کارگران در یک تظاهرات در سئول به لایحه اعزام ۷۰۰ نیروی پشتیبانی به جبهه‌ها جنگ در عراق اعتراض کردند و اعلام کردند که مجلس این کشور باید این طرح را مردود اعلام کند. در روزهای اخیر صدها هزارتن از کارگران و دانشجویان و مردم علیه لایحه اعزام نیرو به جبهه جنگ عراق که توسط رئیس جمهور این کشور ارائه شده است بدون وقفه تظاهرات و راهپیمایی و اعتراض کرده‌اند و به همین دلیل مجلس این کشور دوبار رای گیری را به تاخیر انداخته است.

### ایالات متحده

در شهر بوستون بیش از ۳۰ هزار تن از مردم روز شنبه دست به تظاهرات زدند. در نیویورک و نیوجرسی نیز هزاران نفر علیه جنگ راهپیمایی کردند. در این شهرها با شروع جنگ هرروز و حتی هرسب بدون استثنا تظاهرات علیه سیاست جنگ افروزی حکومت آمریکا در جریان بوده است.

در عمان پایتخت اردن صدها تن با شعارهایی علیه جرج بوش دست به راهپیمایی زدند.

در سائوپولو در برزیل ده هزار تن از تظاهرات کنندگان با حمل عکسهایی از جرج بوش که در هیئت هیتلر در آمده بود راهپیمایی کردند. سخنرانان سیاستهای سلطه جویانه آمریکا را محکوم کردند. در پیشاور در پاکستان بیش از ۱۰۰ هزار نفر با شعارهای ضد آمریکائی راهپیمایی کردند. در کلکته در هندوستان نیز با تظاهرات و راهپیمایی دهها هزار نفر از مردم ترافیک شهر به توقف کامل کشیده شد.

### کلمبیا

در بوگوتا در کلمبیا تظاهرات بزرگی صورت گرفت و صدها تن از جوانان خود را عریان کرده و بر روی بدن خود شعارهای ضد آمریکائی نوشته بودند.

در مراکش ۲۰۰ هزار نفر در یک راهپیمایی شرکت کردند و علیه سیاستهای حکومت آمریکا شعار دادند و پرچمهای آمریکا را به آتش کشیدند.

در دانشگاه یکن هزاران تن از دانشجویان در یک تظاهرات آرام بر علیه سیاستهای حکومت آمریکا دست به تظاهرات زدند.

در ژاپن چندین هزار تن از مردم به صورت شعار "نه به جنگ" در کنار قلعه ای در شهر "اساکا"، صف بستند و بعد به طرف کنسولگری آمریکا راهپیمایی کردند. در مسکو ده هزار تن از مردم با پرچمهای سرخ بر علیه آمریکا شعار میدادند. در میان صف تظاهرات کنندگان گروههایی از آمریکائیان نیز دیده میشدند که بر علیه حکومت آمریکا شعار میدادند. یکی از معلمان آمریکائی در مسکو میگوید بچه‌های کوچک روی تخته سیاه می‌نویسند "جرج بوش قاتل کودکان" و آنها حق دارند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ مارس ۲۰۰۳ - ۱۱ فروردین ۱۳۸۲

میگذارند که در جهت خودکفایی خانواده‌ها و ایجاد فرصت شغلی عمل میکنند! اما حتی همین مبلغ ناچیز برای در واقع بیگاری و کار مفت را بعد از چندین ماه در پرداخت میکنند به بهانه اینکه فرش‌ها هنوز فروش نرفته‌اند! واقعا که جمهوری اسلامی، استثمار سرمایه‌داری - اسلامی را شرعا رعایت میکنند! سازمان "بهنیستی" رژیم هم در زمینه دادن مستمری و دستمزد کار به مدد جویان خود به همینصورت کمیته امداد امام عمل میکند. این گونه برخورد های تحقیرآمیز و استثمار بیرحمانه اسلامی باعث شده که حتی خود خانواده‌ها هم دیگر حاضر به کار و در واقع بیگاری برای آنان نیستند. سنندج ۱۶ مارس، لیلیا \*\*\*

### بخشهایی از یک نامه از سنندج استثمار بیرحمانه سرمایه داری اسلامی

با سلام  
مطلبی را که به اطلاع میرسانم، موضوع تازه ای نیست اما بحث بر سر بدختی است که صدها هزار و بلکه میلیونها نفر را در جامعه فقر زده ایران در بر گرفته است.  
موضوع مربوط است به ارگانی به اسم کمیته امداد امام خمینی که به انواع مختلف زنان و مردان و بچه‌های خانواده‌های فقرزده را مورد استثمار قرار میدهد. از جمله طرح با اصطلاح "کاریابی" برای خانواده‌های تحت پوشش این کمیته است که یکی از برنامه‌های آن آموزش قالی بافی به زنان و دختران شهری و روستایی است. بدین گونه که مواد اولیه و دار قالی به ابعاد ۹ و ۱۲ متری را در اختیار

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

جنبش ضد جنگ: اطلاعاتیه شماره ۸  
تظاهرات ضد جنگ در سراسر جهان بی وقفه ادامه دارد!



در ادامه موج اعتراضات جهانی علیه جنگ و کشتار مردم بی دفاع عراق، روز یکشنبه ۳۰ ماه مارس نیز صدها هزارتن از مردم شریف جهان علیه سیاست جنگ افروزی حکومت آمریکا و به حمایت از مردم عراق دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند.

#### مصر

در اسکندریه روز یکشنبه ۳۰ مارس ۲۰ هزار تن از دانشجویان دست به تظاهرات زدند و سیاست جنگ افروزی آمریکا و بریتانیا را محکوم کردند. دانشجویان همچنین دولت مبارک را به دلیل اینکه به کشتیهای آمریکائی عازم جنگ در عراق اجازه عبور از کانال سوئز را داده است محکوم کردند.

#### اسپانیا

در اسپانیا نیز روز یکشنبه تظاهراتهایی در شهرهای مختلف صورت گرفت. تظاهرات کنندگان حکومت این کشور را به خاطر این که به هواپیماهای آمریکائی و انگلیسی اجازه داده است بر فراز اسپانیا سوخت گیری کنند محکوم کردند. بیش از ۵۰ هزار نفر در مادرید در حالیکه پلاکاردهایی را حمل میکردند که روی آنها نوشته شده بود "بنام ما نه" به طرف پایگاه هوایی و دریایی "روتا" که نیروهای آمریکائی و اسپانیایی مشترکا در آن مستقر هستند، راهپیمایی کردند. هزاران نفر نیز به طرف پایگاههای "مورون"، "زاراگوزا" و "آلباست" و "تورجون" راهپیمایی کردند.

روز شنبه نیز تظاهرات دهها هزار نفره ای در مادرید صورت گرفت. تظاهرات کنندگان به طرف یک پایگاه نظامی آمریکا که در فاصله ده کیلومتری از پایتخت قرار دارد راهپیمایی کردند. یکی از معلمان که به همراه صدها تن از معلمان دیگر در این تظاهرات شرکت کرده بود میگوید "در اسپانیا همه کس بر علیه جنگ است".

ادامه در صفحه ۷

## تلویزیون انترناسیونال را ببینید!

### ۱۳ آوریل تلویزیون انترناسیونال شروع به کار میکند

تلویزیون انترناسیونال از روز یکشنبه ۱۳ آوریل شروع به کار خواهد کرد. تلویزیون انترناسیونال، سیمای آزادی، سیمای برابری و انسانیت، سیمای کارگر است.

برنامه های این تلویزیون روزهای یکشنبه ساعت ۶ و نیم بعد از ظهر بوقت تهران به مدت یکساعت از شبکه تلویزیونی کانال یک پخش خواهد شد. همین برنامه روزهای چهارشنبه ساعت ۱۱ و نیم شب به وقت تهران تکرار خواهد شد.

برنامه های تلویزیون انترناسیونال در اروپا و آمریکای شمالی هم پخش میشود. این برنامه ها از طریق شبکه اینترنت (سایت روزنه) نیز قابل دسترسی خواهند بود.

ساعات و کانال پخش تلویزیون انترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.

#### آدرس تماس

ای میل:

wpi\_tv@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۴ ۷۸۱ ۵۹۰ ۲۲ ۳۷

فکس: ۰۰۱ ۵۰۳ ۲۱۲ ۱۷ ۳۳

سایت اینترنت:

www.rowzane.com

#### مشخصات فنی آنتن

Atlantic Bird 2

Location:15 Degress West

Downlink Frequenz.11141 Mhz

Downlink Polarity: Horizontal

Symbol Rate:28.200

FEC:1/2

Telstar 12

Location:15 Degress West

Downlink Frequenz.12595 Mhz

Downlink Polarity: Horizontal

Symbol Rate:31.829

FEC:3/4

مدیر تلویزیون انترناسیونال - آذر مدرسی

فروردین ۱۳۸۲ - مارس ۲۰۰۳

#### کمیته کردستان

دبیر کمیته:

رحمان حسین زاده

Email:

r\_hoseinzadeh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

مسئول دبیرخانه:

محمد آسنگران

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۱۹۹۶۰۵

Email:

asangaran@aol.com

#### یک دنیای

بہتر،

برنامه حزب

گمونیست

کارگری

را بخوانید!